



سودای یک مجنون

خاطرات جانباز سرافراز حسن عساریان

به قلم عباس رئیسی بیدگلی

www.ketab.ir



سودای یک مجنون

| سرشناسه: رئیسی بیدگلی، عباس، ۱۳۴۲ - | عنوان و نام پدیدآور: سودای
یک مجنون: زندگی حسن عساریان نوش‌آبادی/به قلم عباس رئیسی بیدگلی؛
ویراستار: فهیمه اسماعیلی. | مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۱.
| مشخصات ظاهری: ۳۶۸ص:؛ مصور: ۱۴/۵×۲۱ س.م. | شابک: ۸-۱۶۶-
۲۸۵-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا | عنوان دیگر: زندگی
حسن عساریان نوش‌آبادی. | موضوع: عساریان نوش‌آبادی، حسن، ۱۳۴۴- |
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات | Iran-Iraq War,
Personal narratives -- 1980-1988 | شناسه افزوده: اسماعیلی، فهیمه، ۱۳۷۱-
ویراستار | رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۲۹ | رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
| شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۶۷۷۵ | اطلاعات رده‌بندی کتابشناسی: فیبا |

| به قلم: عباس رئیسی بیدگلی | ویراستار: فهیمه اسماعیلی |
طراح جلد: الف. اکبرزاده | ناشر: شهید کاظمی | نوبت چاپ: اول
/ پاییز ۱۴۰۱ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان |
شابک: ۸-۱۶۶-۲۸۵-۶۲۲-۹۷۸ | مدیریت هنری و آماده‌سازی: مؤسسه
شهید کاظمی |

| تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است |

| دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ |

| شماره تماس: ۰۶-۳۷۸۲۰۸۴۴-۲۵ |

| سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۱۴۱۴۴۱ | www.manvaketab.ir

@nashreshahidkazemi



باشگاه
مخاطبان

فهرست

۷.....	اشاره
۹.....	روی برف‌های دویسه
۳۶.....	برگشت به خانه
۴۲.....	کانال پاسگاه زید
۵۸.....	پذیرایی به رسم بمباران
۸۰.....	تو فقط بله را بگو
۸۷.....	پیراهن توری
۹۲.....	تنه‌آقام
۹۴.....	عملیاتی که نشد
۹۸.....	کله گاوپه‌س
۱۱۴.....	نبرد تانک‌ها (شرق دجله)

۱۳۳	جاده خندق.....
۱۴۲	کمین‌های هور.....
۱۴۹	از دارخوین تا هزارقله.....
۱۶۴	جبهه چه خبر؟.....
۱۷۱	لحظه شماری.....
۱۹۴	دوهزار دستگاه تانک.....
۲۱۴	دیوونه‌ها کجا می‌رید؟.....
۲۲۴	نمک روی زخم نپاش.....
۲۳۲	هشتی.....
۲۳۵	از ساحل اروند تا کنار خانواده.....
۲۳۹	تو دیر رسیدی.....
۲۴۹	سینه به سینه تانک‌های دشمن (شلمچه).....
۲۶۵	این حرف‌ها را ولش کن.....
۲۷۵	اسارت بین خودی‌ها.....
۲۸۴	همسفر شهدا.....
۲۹۵	قرارگاه لشکر یازده.....
۳۱۲	نوروز در خانه.....
۳۱۶	تنهای تنها.....
۳۲۸	اوج گرما و حماسه.....
۳۵۵	تصاویر.....

اشاره

سودای یک مجنون قصه جوانی عاشق است که در دوران کودکی پدرش را از دست می‌دهد. نوجوانی را در شهری در خانه خاله‌جانش سپری می‌کند و در کارگاه جوشکاری مشغول است. در همین روزها، با حرکت مردم علیه رژیم پهلوی آشنا و با موج معترضان همراه می‌شود. مصداق همان فرمایش حضرت امام خمینی علیه السلام می‌شود که در آغاز نهضت اسلامی فرمود: «سربازان من حالا در گهواره هستند.»

با تجاوز دشمن بعثی به جمهوری اسلامی ایران حسن عساریان نوش‌آبادی آموزش رزم می‌بیند و پا به عرصه دفاع مقدس می‌گذارد و تا آخرین روزهای دفاع مقدس در صف مدافعان ایران اسلامی سوار بر تانک به صف متجاوزان بعثی می‌تازد.

زمستان ۱۳۹۲ با استعانت از کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و به پیشنهاد مرتضی سرهنگی، استاد ادبیات پایداری حوزه هنری تهران، کار مصاحبه و تدوین خاطرات حسن آقا را شروع کردم. در این رهگذر از محضر

استاد محمد قاسمی پور بهره‌مند شدم که صمیمانه از ایشان متشکر و قدردانم. همچنین، از دوستان هم‌رزم، رحمت‌الله کریم‌شاهی، عباس جندقیان، حاج حسین فتاحی، محمد میرزاییگی، حاج حسین رحیمی اصفهانی و از دوست عزیز حجت‌الاسلام محمد رضانی استاد حوزه علمیة المهدی بیدگل که با مطالعه کامل این اثر در اصلاح واژگان یاری‌ام کردند، سپاسگزارم.

همه سعی و تلاشم در مصاحبه‌ها و تدوین این کتاب بر صداقت و سادگی بوده است. اگر کم‌وکاستی در آن دیدید، امیدوارم به بزرگواری خودتان ببخشید. این قطره از دریای رشادت فرزندان ایران اسلامی تقدیم به روح پیر و مرشدمان، حضرت امام خمینی علیه السلام.

بهمن ۱۴۰۰

عباس رئیسی بیدگلی